سفرنامهٔ پرنس رودلف ولیعهد اطریش
ترجمهٔ عارف‌خان از ترکی



سفرنامهٔ پرنس رودولف ولیعهد دولت اطریش و مجارستان که با زوجه خود پرنسس استفانی باسلامبول تشریف برده و از آنجا به بروسه رفته و بعد بممالک خود شان عودت نموده اند



(پروگرام)

بجهت تشریفات

جناب فخامت مآب (آرشیدوک رودولف) ولیعهد دولت اطریش و مجارستان برفاقت زوجه محترمه خود شان امروز که بیستم جمادی الاخر سنه ١٣٠١ هجری و پنجم نیسان رومی قیصری و هفدهم ماه مذکور سنه ١٨٨٤ میلادی در روز پنجشنبه است قبل الزوال در ساعت ده اسلامبول را تشریف خواهند فرمود .

کشتی های دودی که بجهة استقبال معزی الیه مهیا گردیده و شش ساعت قبل از وقت زوال از لنگرگاه بچرخ عزیمت حرکت داده و دو ساعت بزوال مانده یعنی در ساعت ده در پیشگاه عمارت (طوملمه باغچه) رسیده لنگر انداز اقامت خواهند فرمود .

آرشیدوک و آرشیدوشس و حضراتی که مستصحب رکاب معزی الیهما هستند بعد از آنکه از کشتی قدم به (اسکله) بگذارند کالسکه چهار اسبه سلطنتی را و مستصحبین رکاب معزی الیهما نیز به کالسکه ها که از کالسکه خانه همایونی تهیه و فرستاده خواهد شد سوار شده مستقیماً بعمارت عالی (ییلدز) عزیمت خواهند کرد .

ذات معالی سمات حضرت تاجداری در حالیکه تمامی ارکان و اعیان (مابین همایون و امنا و اعیان و عمله خلوت) حضور داشته باشند معزی الیهما را استقبال و قبول خواهند فرمود

بعد از اجرای رسم پذیرائی مسافرین معزی و مشار الیهم به (قصر شاله) که از جانب اعلیحضرت همایون بجهة اقامت معزی الیهما مخصوصاً تهیه و تخصیص گردیده عودت خواهند کرد .

از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت تاجداری هم بدون توقف یعنی ده دقیقه بعد از حرکت مسافرین رسم بازدید

و خوش آمدی بعمل آورده خواهد شد .

همان روز معزی الیهما بعض مواقع اسلامبول را تماشا کرده شب هم در قصر مذکور استراحت خواهند کرد .

فردا که روز جمعه است رسم عالی (سلام جمعه) را تماشا کرده بعد بسفارتخانه دولت اطریش تشریف برده عموم سفرای دول و معتبران و مبعوثان تمامی تبعه دولت اطریش و مجارستان را که در ممالک عثمانی هستند پذیرفته متعاقب آن رسم بازدید سفرای دول را بجا آورده و بعض جاهای اسلامبول را تماشا نموده طرف مغرب بمسافرخانه خود شان عودت کرده همان شب (شب شنبه) بمهمانی فوق العاده اعلیحضرت سلطان که بجهة مسافرین تهیه نموده میشود به (مابین همایون و اقامتگاه سلطان) تشریف خواهند برد .

محض استقبال مسافرین معزی و مشار الیهم معتبران تبعه دولتین اطریش و مجارستان و بلژیک سوار کشتی شده از بغاز گذشته تا بدریای سیاه خواهند رفت .

بجهة رکوب کشتی چنانکه معتبرین تبعه دولتین مفخمتین (بلیت) فرستاده تمامی روزنامه نگاران اسلامبول هم (بلیت) فرستاده از جانب کومپانیه (لوید) مهمانی داده خواهد شد .

محض اینکه (پرنسس استیفانی) زوجه ولیعهد دولت مشار الیها دختر پادشاه بلژیک است لهذا معتبران تبعه دولت بلژیک هم در رسم استقبال اثبات وجود خواهند کرد .

محض نظم و نسق راه آهن مسیو (نالنس) مدیر عمومی راه های روم ایلی تا (وارنه) خواهد رفت و معتبرانیکه از وارنه بجهة استقبال مسافرین معزی و مشار الیهم عزیمت خواهند نمود اداره راه آهن بلیت مجانی خواهد داد مسافرین معزی و مشار الیهم پنج روز در اسلامبول توقف فرموده روز ششم به (بروسه) رفته بعد از یک روز عودت و بطرف مملکت خود شان عزیمت خواهند فرمود .

— رسم استقبال —

امروز که روز پنجشنبه بیستم جمادی الآخر سنه ١٣٠١ علی السحر تمامی مستقبلین بهفت فروند کشتی که محض رکوب مستقبلین از جانب شرکت (لوید اطریش) بجهة استقبال حضرات مسافرین محترمه تهیه و تخصیص

کردانیده بود سوار شده ساعت شش او فرانکی [illegible] بعد مانده حرکت کردند کشتی تجارتی (سرس) پیشرو میرفت

در عقب حرکت در بالای کشتی (سرس) که معتبرین مستقبلین و روزنامه نگاران سوار میبودند یکدسته موزیک شروع باجرای آهنگ نمود از کشتی های دیگر هم صدای موزیک شنیده میشد .

مستقبلین بیش از سه هزار نفر بود در میان معتبران جناب (رخیمی) پاشای امیر تومان افواج اطفائیه حضور داشتند چندی نگذشت که بحضار (چیقولاته) و قهوه شیر دار و چای و شیرینی و (کونیاک) داده شد بجهة پذیرائی و تکریم مستقبلین (مسیو ژوزف کورنی) سر (آجینت) شرکت لوئید مأمور بود راستی تمامی مستقبلین از مشار الیه امتنان دارند .

هنگامیکه بحصار اناطولی رسیدند حرکت کشتی ها سرعت یافت آنگاه که در (قواق) روم ایلی (تیوبه) نام کشتی که از برای سفارت پست می آورد دیده شد سرعت حرکت کشتی های مستقبلین رو بسستی گذاشت در پیش لنگرگاه (کوچک لیمان) که رسیدند کشتی (میرامار) که مسافرین معزی و مشار الیهم در او هستند و در عقب کشتی مذکور (عز الدین) نام کشتی همایونی بنظر آمد بنابراین ناخداها فرمان داده در آن واحد عموم کشتی های مستقبلین را با بیدقهای گوناگون مزین نموده و (تنته ریرده) های کشتی ها را برداشتند که یکساعت بیست و دقیقه [illegible] از دسته گذشته بود .

مسافت جزئی که پیش رفته و بکشتی (میرامار) نزدیک شدند رسم سلام را ایفا و موزیکهای مستقبلین هم باجرای آهنگ (مارش) امپراطور اطریش و پادشاه مجارستان شروع نمودند .

از آنطرف دسته موزیک مکمل کشتی (میرامار) هم بالمقابله (مارش حمیدیه) را زده و از موزیک کشتی عز الدین نیز اظهار پیروی کردید کشتی (میرامار) جلو رفت

(پرنس و پرنسس) در اطاق دم کشتی نشسته بودند بعد کشتیهای مستقبلین نیز برگشته دو قطار شده کشتی (میرامار) را تعقیب نمودند

هنگامیکه کشتی (میرامار) از (قواق) میگذشت از استحکاماتیکه در سواحل روم ایلی و اناطولی واقعند بیدق کشیده و رسم سلام اجرا کردیده و این رسم سلام از جانب دو دسته افواج مهندس که یکی در ساحل روم ایلی دیگری در ساحل اناطولی در استحکامات ایستاده موقع احترام میبودند بعمل آورده شد .

مواقع کشتیها از این قرار بود

محض راهنمائی کشتی سفارت اطریش خیلی آهسته پیش میرفت کشتی (میرامار) که حضرات مسافرین معزی و مشار الیهم سوار میبودند کشتی سفارت را و کشتی عز الدین که مستقبلین دولتی و از ارکان هیأت دولت علیه عثمانی راکب بودند کشتی (میرامار) را و هشت فروند کشتی مستقبلین و کشتی (تیوبه) هم هر قطار که عبارت از چهار فروند کشتی باشد دو قطار ترتیب کرده در پهلوی همدیگر کشتی عز الدین را تعقیب میکردند .

چون در پیشگاه (طرابیه) کشتی (میرامار) اندکی توقف کرد با تبع تمامی کشتی ها نیز توقف نمودند بعد حرکت کرده هنگامیکه به پیشگاه (ینکی کوی) رسیده به یک کشتی کوچک که بیدق انگلیس داشت بهم رسیده [illegible] فشنگهای هوائی از مسافرخانه قریه مذکوره بالا رفته از آسمان شراره فشان سرور میشد .

در پیشگاه میرگون چند فروند کشتی کوچک نیز بقطار مستقبلین ملحق شد .

به (بیبک) که رسیدند در پیشگاه مدرسه (روبرت کولج) شاگردان را صف بسته در موقع احترام و نیز در بالای عمارت مکتب متوج پرده بیدق جمهوری (اتازونی) را تماشا کرده اند .

از دسته که سه ساعت سه چارک کذشت بلنگرگاه ساحل سرای (طولمه باغچه) رسیده لنگر توقف را بدریا انداختند و در این بین از اسکله یک فروند (استیمبوط) حرکت کرده در (استیمبوط) مذکور جناب فخامت نصاب صدر اعظم و جنابان وزیر امور داخله و وزیر امور خارجه که لباس رسمی پوشیده و حمایل نشان (من آیتن) را تقلید کرده تشریف داشتند .

همینکه بکشتی (میرامار) رسیدند جناب دولتمآب منیر پاشای ترجمان والشیک آقاسی باشی دیوان همایون ابتدا پیش انداخته بکشتی (میرامار) رفته بعد از اجرای رسم خوش آمدی از کشتی بیرون آمده سوار کشتی خود شان [illegible]

و بجا بین ملوکانهٔ همایون عودت نمودند .

درحالیکه چند فوج از عساکر خاصه در پیشگاه سلامسرای (طولمه باغچه) در موقع احترام ایستاده سلام میدادند مسافرین محترمهٔ معزی الیهما از کشتی پائین آمده بقایقهای هفت جفته که مخصوصاً از قایقخانهٔ اعلیحضرت سلطانی فرستاده بود و حضراتیکه ملتزم رکاب بودند انها و جنابان دولتماب سرور پاشا و سعادتماب احمد پاشا و جناب سعادتماب ابراهیم بیک ایشیک اقاسی وزارت امور خارجه بهمان قایقها سوار شده رو باسکله حرکت کرده وقتیکه باسکله رسیدند از دریا برون آمدند سوار (لاندو) های چهار اسبه شده متفقاً بعمارت (ییلدز) حرکت نمودند .

به (لاندو)ی نخستین (پرنس و پرنسس) سوار شده سرور پاشا را در پیش خودشان نشانده بودند جناب پرنس لباس رسمی خودشانرا پوشیده و حمایل (سن آتین) را تقلید نموده و از گردن شان هم مدال نشان (توازون دور) را اویخته بودند و ملتزمین رکاب معزی الیه هم لباس رسمی خودشانرا پوشیده و سینه های خودشانرا با نشانهای گوناگون تزیین ساخته بودند .

در (لاندو)ی دوم بانو جه خود سفیر کبیر دولت اطریش و مجارستان نشسته بود در (لاندو)ی سیم نیز مصاحبه های شاهزاده خانم با جناب سعادتماب ابراهیم بیک افندی ایشیک اقاسی وزارت امور خارجه نشسته بودند .

و در (لاندو)ی چهارم سعادتماب (هوبه) پاشای میرپنج باوزیر (پرنس) معزی الیه میبودند .

و در (لاندو)ی پنجم باجودانهای مسافر معزی الیه سعادتماب احمد پاشا از اجودانهای اعلیحضرت سلطان نشسته بود .

و در (لاندو)ی ششم طبیب (پرنس) معزی الیه و ناخدای کشتی (میرامار) و سعادتماب غالب بیک نایب اول ایشیک اقاسی وزارت امور خارجه نشسته بودند .

آنگاه که (پرنس و پرنسس) معزی الیهما و حضراتیکه ملتزمین رکاب ایشان بودند نزدیک به پیشگاه عمارت (ییلدز) شدند دستهٔ موزیک خاصهٔ سلطانی باجرای آهنگ شروع نمود .

مسافرین معزی و مشار الیه که به پیش درب عمارت رسیده و از (لاندو) ها پائین آمدند جناب دولت و فخامتماب سعید پاشای صدر اعظم و جناب دولت و ابهتماب وزیر امور داخله و جناب دولتماب عاصم پاشای وزیر امور خارجه و جناب دولتماب منیر پاشای ناظر تشریفات عمومیه بعض ایشیک اقاسی باشی و از اعیان عملهٔ خلوت آنها که دائم الحضور بودند در معیت ملوکانه رسم استقبال را اجرا فرمودند .

اعلیحضرت سلطان ملبس بلباس رسمی عسکری و متقلد حمایل نشان (سن اتین) بودند در هنگام ورود مسافرین اعلیحضرت سلطان در زیر پله مسافرین خود را بنا بر حکم (اکرموا المسافر ......) پذیرفته و بعد از تعارف بسیار بالا تشریف برده فقط (پرنس و پرنسس) و با زوجه اش سفیر کبیر دولت اطریش و سفیر پادشاه بلژیک بیک اطاق دعوت فرمودند در آن اطاق غیر از منیر پاشا مترجم مخصوص و ناظر تشریفات عمومیه احدی نبود .

بعد از صرف قهوه و شربت از اطاق بیرون آمده اولا (پرنس) معزی الیه اشخاص که ملتزمین رکاب خود بودند با علیحضرت سلطان معرفی کرده و انها هم از جانب اعلیحضرت سلطانی مظهر التفات گردیدند .
ذات اقدس تاجداری هم صدر اعظم و امنا و حضراتی را که حضور انها از لوازم قوانین دیرینهٔ عثمانیان است به (پرنس و پرنسس) معزی الیهما معرفی فرموده بعد از اظهار محبت الوداع کرده و برگشتند از جانب اعلیحضرت سلطانی و سایر حضرات که در استقبال میبودند تا بهمانجاکه استقبال گردیدند رسم مشایعت بعمل آورده شد .
(پرنس و پرنسس) معزی الیهما نیز بعد از مشایعت و وداع بهمان قرار سوار (لاندو) ها شده بقصر (شاله) تشریف بردند بعد از انکه اندکی آرام فرمایند اعلیحضرت سلطان نیز محض اجرای رسم خوش آمدی لطفاً باعادهٔ زیارت تنزل فرموده عودت کردند .
شش ساعت از دسته گذشته تمامی وزرا و امنا و افخم رجال دولت بقصر شاله رفته رسم خوش آمدی ا

بجا آوردند .

چهار ساعت بغروب مانده بود که (پرنس و پرنسس) لباس رسمی خود شان را در آورده و لباس عادی پوشیده از قصر بیرون آمده بیک (لاندو)ی چهار اسبه نشسته شدند .

از آنجو و انتهای سلطان سعادتمآب احمد پاشا و هو به پاشای میرنج و سلیمان بیک و احمد بیک مترجم اول از ملتزمین رکاب فخیمانه مسافرین معزی الیهما محسوب میبودند تمامی اینها سوار کالسکه های دو اسبه شده از راه (تبکطاش) و پل (قره کوی) و راه راستهٔ باب العالی بدرب چهار سوی کبیر که در طرف مسجد (نور عثمانیه) واقع است تشریف آورده و در اینجا از کالسکه پایین شده ماشیاً و عزتمآب احمد بیک افندی معزی الیهما را من غیر رسم تعقیباً داخل از درب (چارسوی بزرگ) شدند احمد بیک مومی الیه از جیب همایون اعلیحضرت سلطانی بفقرا و مساکین صدقه میداد .

مسافرین معزی الیهما مستقیماً به (قالپاقچیلر باشی) رفته از انجا از راه (یشیل چشمه) و (یاغلقچیلر) بمیدان (دعا) رسیده و از انجا هم به (ایچ خفافلر) شده از دکان قدری افندی بعض اشیا که مثل فرش و غیره منسوب بصنعت عثمانیان و در اروپ از تحفیات محسوب است خریدند .

در این بین سفیر کبیر دولت اطریش و مجارستان با زوجه و ترجمان اول خود امده من غیر رسم برفاقت مسافرین ملحق شدند

و از انجا به راستهٔ (صحافان) رفته از دکان حاجی عثمان افندی عتیقه فروش بعض اشیا خرید کرده بطرف بالا برگشته از میدان (دعا) و (باد بازاری) و از پیش کاربانسرای (اسکی علی پاشا) و از بازار لحاف دوزان و خفافان گذشته و از جنب (آجی چشمه) برگشته از بازار زرگران گذشته در (قالپاقچیلر) در پیش دکان اوسنیک آقای ارمنی اندکی ارام کرده بعد از درب (نور عثمانیه) بیرون آمده و سوار (لاندوها) شده از راه راستهٔ نور عثمانیه بوزارتخانهٔ علوم رسیده و از انجا رو براستهٔ (تربت سلطان محمود) کرده به جامع (ایا صوفیه) آمدند .

چون عید فطر بر منز کبیر تصادفا و باین جهت بازار زرگران بسته بود و تماشای انجا موفق نشدند .

اولا درون جامع نور لامع ایاصوفیه را تماشا کرده بعد به بالای جامع مذکور رفته بجا این نظر انداخته صنایع معماریه این جامع لامع الانوار را از نظر دقت گذرانده از مسجد بیرون شده کالسکه سوار رو بعمارت (طوب قپو) میرفتند در این بین به (کنت ورمباورن) که یکی از اجزای مجلس مبعوثان دولت اطریش است با زوجه خود کالسکه سوار میرفت تلاقی شده اظهار التفات کرده نیم ساعت بغروب مانده عمارت (طوب قپو) را تشریف فرموده بعد از تماشای خزانه وقت غروب بود که عودت فرمودند .

روز جمعه که بیست و یکم ماه جمادی الاخرست جنابان (پرنس و پرنسس) علی الصباح باغات عمارت (ییلدز) را و متعاقباً (پارک) و بعد با صطبل مبارکه رفته اسبهای سلطنتی را تماشا فرمودند .

بعد از صرف نهار تمامی مسافرین لباس رسمی پوشیده بقراولخانه (مجیدی) تشریف برده رسم عالی سلام جمعه را تماشا فرمودند کوچه ها پر از اهالی و مسافرین بود .

در این سلام اعلیحضرت سلطان اسب سوار بجامع (مجیدی) تشریف برده و بعد از نماز جمعه کالسکه نشسته برگشتند .

بعد از تماشای سلام (پرنس و پرنسس) بیک (لاندو)ی چهار اسبه و مستصحبین رکابشان به (لاندو)های دو اسبه سوار شده از راستهٔ توپخانه بسفارتخانهٔ دولت اطریش و مجارستان تشریف فرما شدند .

پیش سفارتخانه تا براستهٔ پایین بانواع پرده و بیدقها زین گردیده بود و یک دسته موزیک نیز اجرای آهنگ میکرد و چهار دسته (ژاندارمی) نیز در تحت فرمان حسین افندی سرهنگ صف بسته سلام و یک دسته پولیس دایرهٔ ششم ملبس بلباس ملوکی ایستاده موقع احترام می بودند .

تمامی اجزای سفارت و سفیر کبیر با زوجهٔ خود تا بدرب سفارتخانه استقبال کرده داخل حیاط سفارتخانه شدند یک دسته سرباز کشتی (میرامار) بلا تفنگ در حیاط سفارتخانه صف بسته سلام می بودند .

و تمامی شاگردان ذکور و اناث مکتب (نمس) که در جنب سفارتخانه واقع است آنها هم در گذر مسافرین معظم

ایستاده موقع احترام می بودند .

درکوچه هم (خروات - اهالی کرواسیا) ها که دراسلامبول هستند دو دسته شده درطرف یمین ویسار کوچه ایستاده بودند .

قپوچی سفارتخانه لباس مخصوص خود را پوشیده و دردست یک عصای بلند که درسر آن علامت رسمیهٔ سفارت داشت گرفته بود .

موسیو (اولا) نام بلیغ خطبه آتیة المعادی العبارهٔ ازجانب عموم تبعهٔ دولت اطرش ومجارستان که دراسلامبول هستند بالوکاله خواندند .

خبر ورود فخیمانهٔ خودتان تمامی مارا مسرور وشادمان واشک شادی مارا ازدیده انتظار ریزان کرد ماخیلی مشعوف ومحظوظ هستیم حضرت شاهزادهٔ معظم ولیعهد دولت مفخم مارا باحضرت شاهزاده خانم درکمال عافیت دیده وبشرف حضورتان نائل گشته ایم .

دراین تالار بودکه با علیحضرت حشمتمآب امپراطور وپادشاه ما عرض عبودیت کرده بودیم .

حسیات عبودیتکارانه که درانوقت داشته وحالا هم سیداریم افتخار داریم که همان حسیات عبودیتکارانه نه بحضرت ولیعهد وزوجهٔ محترمه خودشان اظهار خلوص وبندگی مینمائیم .

حضرت مولای متعال ذات فخیمانهٔ حضرت ولیعهد وزوجهٔ محترمه شانرا با اقوام ومتعلقات ازاکدار کونیه مصون ونائل عمر فراوان فرمایاد .

حضرت شاهزاده هم جواب لازمه خطابه را دادند .

بعد ازعرض تشکر (موسیو اولا) گفت که از اهالی اوستریا ومجارستان انهاکه دراسلامبول هستند بجهت شرف قدوم حضرت ولیعهد وشاهزاده خانم محض یادداشت یکقطعه (البوم) تهیه وتهدیه کرده حسن قبول ازا استدعا می نمایند .

روی جلد این (البوم) ازمخمل ابریشمی لاله رنگ واطرافش باطلا ونقره مذهب وکلید وحاشیه ووسط هر دو جلد [زده]

بانواع جواهر قیمتدار مرصع بود بجهت این آلبوم عموم تبعهٔ اطریش ومجارستان وخرواتستان که دراسلامبول هستند مبلغ سیصد وپنجاه مجیدی خرج کرده آنرا بوجود آوردند .

این (البوم) را ده نفر خانم اززوجات محترمه تبعهٔ اوستریا ومجارستان که دراسلامبول هستند بشاهزاده خانم زوجهٔ محترمه حضرت ولیعهد تقدیم نمودند .

درهمین (البوم) یعنی مجموعهٔ تصاویر تصاویر آتیة الذکر موجود بوده است .

(۱) دورنمای تماشاچیان سیرهٔ (کاغذخانه) .

(۲) دورنمای اندرونی یکی ازقهوه خانه های عثمانی .

(۳) قیافههای زنان اسلامبول .

(۴) عکس گنبد قبرستان اسکی علی پاشا .

(۵) دورنمای درونی صحن (ینگی جامع) .

(۶) دورنمای بعض نقاط خلیج اسلامبول .

(۷) دورنمای حول خوش گرک .

(۸) صور بعضی ازطائفه زیبک (زیبک طائفه ایست ازطوایف ولایت آیدین . مترجم)

(۹) صورت درب چارسوی کپر واقع درطرف (نورعثمانیه)

(۱۰) دورنمای وضع وحالت پریشانی مهاجرین اسلام که ازروم ایلی علیغارها پرون کرده اند درجوار ایاصوفیه جمع شده اند شاهزاده خانم مجموعهٔ تصاویر مذکوره را بالقبول اظهار مهربانی فرموده اند درآن بین حضرت ولیعهد نیز به (موسیو ژوزف فورنی) رئیس ادارهٔ شرکت کشتیبانی (لوئید) دراسلامبول اظهار مهربانی فرموده بعد ازاحوال پرسی ازکارهای شرکت گفتگو کردند وهمچنین باسه نفر ازمعتبرین اهالی اطریش ومجارستان وخرواتستان که آنهارا بجهت عرض خوش آمدی تمامی تبعهٔ دولت اطریش ومجارستان ساکن اسلامبول انتخاب کرده بحضور حضرت ولیعهد فرستاده بودند گفتگو کرده واحوال پرسیدند .

بعد از تشریفات سفیر کبیر دولت معظم له معرفی معتبران تبعهٔ دولت خود را کرده (مونسینیو رروتلی) خلیفهٔ کاتولیکان اروپ (از آرارمان) افندی وکیل بطریق کاتولیکان عثمانی و خاخام باشی یعنی ملاباشی جهودان آمده بعد از اظهار امتنان و سرور خاخام باشی هر دو دست را بسوی آسمان برداشته بعد از دعا و ثنا نطق آتی را گویا شد

جناب فخامت مآب شاهزاده حسیات رعایتکارانه خود را اصالتاً و عرض عبودیت ملت خودم را وکالةً بتقدیم حضور فخامت مآب جسارت کرده بعرض سامی میرسانم و خود مرا فوق الحد بختور میشمارم امروز که واسطهٔ تقدیم عرض عبودیت ملت خود این دعاگو شد .

در سایهٔ مراحم وایهٔ متبوع معظم و پادشاه معظم آقای ما که اعلیحضرت شوکتمآب (عبد الحمید) خان ثانی است تمامی همدینیان من بطفر نعم آسایش شده و شل یهودیان ممالک اطریش و مجارستان نائل مساعدات و سیعه و حمایت قویه اند .

همیشه دعای این ملت قدیم تمادی ایام عمر و عافیت و بقای و ارتقای شوکت و قدرت این دو حال تبعه مملکت این دو امپراطور که یکی اعلیحضرت (فرانسوا ژوزف) شاهنشاه اطریش و پادشاه مجارستان و یکی هم اعلیحضرت عبد الحمید خان ثانی شاهنشاه کل ممالک عثمانیان است و از خدا میخواهیم عمر اقبال و شوکت و اجلال حضرت ولیعهد و زوجهٔ نجیبهٔ او را از جمیع آفات سماویه و ارضیه مصون فرمایاد و سایهٔ همایون آنها را از سر هم مذهبان من کم نگرداناد .

بعد از این خطابت شاگردان ذکور و اناث مدرسه (امنس) قصیده خوانده و مترنم شد تمامی حضار رسم تعظیم را ایفا کرده و رفتند .

چهار ساعت بغروب مانده بود که سفرای دول مقیم اسلامبول محض زیارت از قرار ترتیب ذیل تشریف آورده بعد از عرض خلوص بحضرت ولیعهد و شاهزاده خانم عودت فرمودند .

سفیر اسپانیا | با زوجهٔ خود سفیر رومانیا | سفیر صربستان | سفیر انگلیس | سفیر یونان

سفیر المان | سفیر هولاند | سفیر بلژیک | سفیر اتیازونی با زوجه خود | سفیر ایتالیا | سفیر فرانسه

سفیر ایران | سفیر سود و نوروج | کارگذار قره داغ .

چون در همین روز که از برای حضور سفرا قرار داده اند گویا روز بزرگ مذهب ارتودکس بوده و در این زمان بجهة اجرای آئین سفیر روس بکلیسا رفته نتوانسته است که بزیارت حضرت ولیعهد بیاید .

(سفیر یونان و صرب و کارگذار قره داغ هم (ارتودکس) نمیدانم چه طور شده که اینها آمده سفیر روس تشریف نیاورده این را بهانه ساخته است . مترجم)

بعد از رفتن سفرا از جانب همایون اعلیحضرت سلطان بجهة حضرت ولیعهد و شاهزاده خانم و حضراتی که مستصحب ایشان بودند سفری الیهما شده از قرار ذیل نشانها فرستاده شد .

از برای حضرت ولیعهد امپراطور اطریش و پادشاه مجارستان	نشان عثمانی مرصع
〃 نواب عالیه استفانی زوجهٔ حضرت ولیعهد و دختر پادشاه بلژیک	نشان شفقت مرصع
〃 (کنت دوبومبل) وزیر و ناظر امور ذاتیهٔ حضرت ولیعهد	نشان عثمانی از درجهٔ اولی
〃 (کنت پالفی) وزیر و ناظر امور ذاتیهٔ شاهزاده خانم	نشان مجیدی از درجهٔ اولی
〃 (کنتس نادوکا) ناظر امور داخلهٔ شاهزاده خانم	نشان شفقت از درجهٔ اولی
〃 (کنتس پالفی) از (دام دونور) های شاهزاده خانم	نشان شفقت از درجهٔ ثانیه
〃 (کنت متروسکی) اجودان و ایشیک آقاسی باشی حضرت ولیعهد	نشان مجیدی از درجهٔ ثانیه
〃 (کنت کونسنیج) اجودان و پیشخدمت باشی حضرت ولیعهد	نشان مجیدی از درجهٔ ثانیه
〃 (کنت دوبیراند) سرتیپ دوم و اجودان حضرت ولیعهد	نشان مجیدی از درجهٔ ثانیه
〃 (کاپیدان فایه تنز) ناخدای کشتی میرامار	نشان مجیدی از درجهٔ ثانیه
〃 (دکتر لانی) طبیب حضرت ولیعهد	نشان مجیدی از درجهٔ ثالثه

بعد از حسن قبول نشانهای مذکور حضرت ولیعهد و شاهزاده خانم و ملتزمین رکاب لباس رسمی خود شان را

درآورده لباس عادی پوشیده سه ساعت بغروب مانده بود که بیك (لاندو) ی چهار اسبه سوار شده

از راه راسته که قبل از ورود مسافرین از سفارتخانه تا بیك اوغلی بازکرده و تسویه نموده‌اند به بیك اوغلی و از انجا

بسیره (کاغذخانه) تشریف بردند .

امروز هم در رکاب حضرت ولیعهد اشخاصی که دیروز منتصب رکاب بودند تشریف دارند و علاوه از اینها

غزتمآب عارف بیك و سالم بیك سرتیپ دوم و فتوتمآب فائق بیك و احمد بیك یاور و حمیتمآب

احمد شاکر بیك سلطان از اجودانهای اعلیحضرت سلطان و از وکیلهای افواج خاصه نیز احمد شاکر و حاجی ولی

و احمد و سیف الله چاوشان موجود بودند .

شاهزاده خانم و رفیقهٔ خودشان درنشیمن علی العادهٔ (لاندو) و حضرت ولیعهد نیز در پیش آنها رو برو

نشسته بودند .

انگاه که حضرت ولیعهد و ملتزمین رکاب از سفارتخانه بیرون می آمدند یکدسته موزیك شروع باجرای آهنگ کرده

حضار هم صدای (ویوا) را بافلاك رسانیدند .

از سفارتخانه الی تقسیم هردو طرف راه مردم درکمال سکوت و احترام ایستاده تماشا میکردند گویا یکی از مسافرین

محترمه از ملتزمین رکاب عثمانیان پرسیده اند که چرا در مملکت شما مثل ممالك ما لفظ (ویوا) را عادت

نکرده اند و دراین مورد سکوت را اختیار مینمایند آنشخص نیز در جواب گفته که نه در مملکت ما بلکه در تمام ممالك اسلام

درچنین موارد همهمه و صدای بلند را از بی احترامی و از سستی دانسته مهمانها و بزرگان خودشان را در کمال سکوت

و آداب استقبال و پذیرائی کردن را از جملهٔ آداب و توقیر میدانند حتی درین موارد خندیدن و یکدیگر را این طرف

و آن طرف کردن هم از جمله معایب است . باری ......

مسافرین محترمهٔ ما بدون توقف مستقیما (کاغذخانه) را تشریف و داخل قصر همایون شدند .

درین راه کارت ویزیت خودشان را بسلاحخانه جناب ادهم پاشای وزیر امور داخله فرستادند از ازدحام ناس

در کاغذخانه فوق الحد و العاده بود بیش از پانصد کالسکه و درشکه و (لاندو) بنظر می آمد درمیان تماشاچیان

ابنوسی از معتبران اهالی و تبعهٔ خارجه تشریف داشتند .

در وقت غروب حضرات مسافرین معاودت فرموده بعمارت (ییلدز) تشریف فرما شدند درین راه

کارت ویزیت خود را بخانهٔ صدر اعظم و بعض سفرا فرستادند امشب در حضور همایون مهمانی بزرگ است .

مدعوین تمامه لباسهای رسمی سنگین خودشان را پوشیده حضرت ولیعهد نشان مرصع عثمانی را و شاهزاده خانم نیز

نشان مرصع شفقت را از گردن تعلق نموده و محض احترام ملت عثمانی تمامی مسافرین بسرهای خودشان کلاه عثمانی گذاشته بودند

حضرات مدعوین در سر سفره در ترتیب آتی نشسته بودند .

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] موقع همایون [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

كنتس پالف	وزیر امور خارجه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	وزیر جنگ	سفیر دولت هلند
وزیر امور داخله	مسیو دومیراند				مسیو میرو بریکی	مادام هبیر
كنت پالف	مشیر تجارت				وزیر عدلیه	کنت برمبل
رئیس شورای دولت	کنت ویسارون				مسیو وینال	وزیر امور تحریر
سلیمان پاشا	دکتر لاف				سرور پاشا	کنت توسنیخ
ناخدای کشتی میرامار	وزیر امور البر				مسیو موتربج	درویش پاشا
حسین حسنی پاشا	مسیو کالنوی				وزیر علوم	مسیو براندز
بارون دوتاب	درسیم پاشا				مسیو فورت	وزیر فلاحت و تجارت
وزیر موقوفات	مسیو دوبانکو				نصرت پاشا	بارون هاف
بارون آرزوندالك	ارتین افندی				بارون ماکیو	منشی حضور سلطان
ماورینی پاشا	لیغوتنج				اجودان مخصوص	مسیو مانوکا
کنت رونسوانك	زهنی پاشا				بارون کوت	مستشار صدارت
اغوب افندی	ابراهیم بیك				احمد پاشا	مسیو مولیر
کنت آندراشی	هیبر پاشا				کاظم بیك	رشید بیك

امروز که روز بیست دوم ماه جمادی الاخر و روز شنبه است تمامی مسافرین محترمه لباس عادی پوشیده از قرار سابق ایام سوار (لاندو) ها شده تا به پیشگاه (طوله باغچه) رسیده و از آنجا از (لاندو) ها پایین آمده و (استمپوطی) بحبه رکوب مسافرین در کشتی سازخانه تازه ساخته و رنگ سفید زده بودند سوار شده مستقیماً به (اسکدار) تشریف بردند .

در (اسکله اسکدار) دو دسته ژاندارمی و دو دسته سرباز در تحت فرمان فخامتماب تیمور افندی سرهنگ و فتوتماب سلیمان آقای یاور صف بسته سلام میبودند .

حضرت ولیعهد و زوجه محترمه خودشان سوار (لاندو) ی چهار اسبه و سایرین هم سوار اسب شده از راه (بلبل دره سی) و (مشاطلق) و (طوپخانه لی اوغلی) و (ملت باغچه سی) و (صاری قیا) به (قسقلی) و از آنجا به بالای (تپه چاملیجه) رفته و بعد از اندک آرام از راه راست (طوپخانه لی اوغلی) براسته (بیکلربکی) برگشته مستقیماً عمارت (بیکلربکی) را تشریف فرما شدند .

بعد از صرف قهوه و شربت باز به (استمپوطی) سوار ساحل و از آنجا هم (لاندو) سوار عمارت (ییلدز) تشریف آوردند .

بعد از صرف نهار و اندکی استراحت با کالسکه سوار با سکله (طوله باغچه) به (استمپوطی) راکب شده سه ساعت و یک ربع بغروب مانده توپخانه را تشریف فرما شدند .

در میدان توپخانه چند دسته از افواج مهندس ایستاده موقع سلام بود جناب دولتماب علی صائب پاشا مشیر توپخانه و جناب سعادتماب سعید پاشای فریق و رئیس توپخانه و سعادتماب حمید پاشای میرپنج استحکامات و سعادتماب ادهم پاشای میرپنج رئیس کارخانجات و تومیک قیومجیان افندی مترجم توپخانه مسافرین محترمه را تا از لب دریا استقبال کرده و تمامی آجودانها در نقطه سلام ایستاده بودند .
حضار بدون توقف داخل توپخانه شده کارخانجات را با دقت تمام تماشا کرده بودند .

از درب کارخانه بزرگ که داخل شدند توپهای (کروپ) و (ماون) و (مترالیوز) ها که در کارخانهای توپخانه و هنوز بمواقع لازمه نفرستاده هر دو طرف دالان کارخانه بزرگ گذاشته و گلولهای گوناگون را در یک وضع هندسی سر یکدیگر جمع آوری کرده بودند تماماً تماشا فرموده و تحسین خوان شدند .

داخل کارخانجات که شدند کبیر و صغیر اهالی توپخانه را که هر یکی در سر یک چرخ مشغول بکار بودند با کمال دقت تماشا کرده و وضع و پاکی رخت و کارهای انها را دیده و پسندیده بعد از انکه فهمیدند تمامی انها عثمانی و از ملت اسلام هستند ثنا خوان شدند .

کارخانه بزرگ دو سال قبل از چوب و خیلی تنگ بود حالا تمامی ستونهای کارخانه را از سنگ ساخته و ستونهای مذکور را از بالا با تیرهای آهن بیکدیگر ربط کرده و مع مافیه خیلی وسعت داده اند .

بعد بکارخانه تفنگ رفته سوهان خانه و ریخته گر خانه و قونداق خانه و سایر کارخانه ها را تماشا کرده خیلی مشعوف از ترقیات کارخانه جات شده و به مامورین توپخانه اظهار خشنودی فرمودند .

از آنجا به (اکسپوزیسیون) اسلحه تشریف برده از قلاخن تا تفنگهای ته پر و از گرز و نیزه قدیم تا شمشیر و اسباب مدافعه و جارحه حاضره را تماشا کرده و تفنگهای (وریو ولویر) ها که از مصنوعات کارخانه مارت هم حضرت ولیعهد و هم نواب عالیه یکان یکان دست گرفته تماشا کرده و تحسین خوان شدند .

بعد از تماشای جاهای دیگر بقصر توپخانه و از آنجا هم بالای قصر عروج فرموده اندکی باطراف نظر انداخته بعد قصر را تشریف و میل بصرف عصرانه فرمودند .

در عصرانه شربتهای پرتقال و لیمو و انواع نانهای شیرین و غیره بود .

حضرت ولیعهد از حسن انتظام و ترقیات صناعیه کارخانهای توپخانه جداً اظهار ممنونیت و خیلی ستایش میفرمود .

در حین عزیمت جناب دولتماب علی صائب پاشا در یک صندوق یک جفت (ریوولویر) هفت ضربی بحضرت ولیعهد تقدیم کرده و حسن قبول انها را از جانب تمامی اهالی توپخانه استدعا نموده و حضرت ولیعهد نیز

ازراه دوستی ویکانگی ورسم یادکاری مذکور (ریوولویر) هارا پذیرفته بود واین (ریوولویر) ها درطرز جدید
وازآهن جوهردار نسبت وزراندود ساخته وقبضه های انهارا ازشیرماهی اعمال وبامفتول طلا ونقره
گل کاری کرده وپرداخته ودرروی لوله باخط نسخ بامفتول طلا عبارهٔ آتیه را نوشته بودند .
این طپانچه های هفت ضربه درتوپخانه عامره اعمال ودرروز شنبه ۲۲ جمادی الآخر سنه ۱۳۱۲ بحضرت شاهزاده
رودلف ولیعهد امپراطور اطریش وپادشاه مجارستان وشاهزاده استفانی زوجهٔ محترمه معزی الیه
ودختر پادشاه بلژیک برسم یادکاری تقدیم کردید
حضرت ولیعهد وزوجهٔ محترمه اش ترجمهٔ عبارت مذکوره را خوانده وازیادکاری چنین الفت آثار [illegible]
خیلی ممنون گشته وازتمامی عملهٔ توپخانه اظهار خوشنودی فرمودند .
بازبه (استمبوط) خودشان نشسته رو بکشتی سازخانه حرکت فرمودند .
باز علی پاشا وصاحب منصبان توپخانه تالب دریا مسافرین محترمه خودمان را مشایعت نمودند .
مغرب دوساعت سه ربع مانده بکشتی سازخانه رسیده جناب دولتماب حسن پاشای
وزیر امور بحریه وجناب دولتماب هوبارت پاشای فرمانده کشتیهای زرهدار را وجناب سعادتماب
حسن پاشای امیرتومان وفرمانفرمای خلیجهارا وجناب سعادتماب حسن پاشای ناظم کارخانه هارا
وسعادتمابان فائق وابراهیم پاشایان را که یکی رئیس مجلس ادارهٔ امور بحریه ویکی ازاجزای مجلس مذکور وهردو
میرپنجه اند درساحل ایستاده موقع استقبال دیده بودند .
حضرات مسافرین را هیأت امور ادارهٔ بحریه بالا استقبال بکمال تعظیم ازکشتی بیرون آورده بعد ازایفای رسم
بدائرهٔ وزارت برده بعد ازصرف شربت وقهوه چون اظهار میل وآرزوی کشتی سازخانه فرموده بودند
سوار (استمبوط) مخصوص خودشان شده رو به (آینه‌لی قواق) حرکت ودرآنجا فرقتین زرهداریکه باسم
اعلیحضرت سلطان ساخته میشود تماشا کرده وازآنجا بقصر (آینه‌لی قواق) تشریف فرما شدند بعد ازوصول
دراطاقیکه ناظر بباغ است معرفی امرای بحریه را وزیر امور بحریه علی مراتبهم درحضور حضرت ولیعهد بجا آورد .

بعد ازصرف انواع شربتها وشیرینیها وبستنیها واستعمال استراحت کردیده دراین مدت تمجیدات
بسیار ازصنایع وترقیات کشتی سازخانه وطرز واستحکام فرقتین جدید مذکوره وبهیأت وامرای بحریه
اظهار رضامندی وامتنان فرموده بعد ازیک ربع ساعت توقف ازقصر پائین آمده با هالی کشتی سازخانه
که بجهت مشایعت تالب دریا آمده بودند وداع کرده سوار (استمبوط) شده رو به (غرب قپوی) حرکت کرده
بعد ازوصول از (استمبوط) بیرون آمده سوار کالسکه ازراه بیک اوغلی دروقت غروب بسفارتخانه خودشان
تشریف فرما شدند .
هردوجانب طریق مذکور ودرب سفارتخانه ومکتب بانواع واقسام پرده ها وبیدقها وشاخه های درخت
سرو ویاسمن وگل ورياحين مزین ساخته بودند دراین بین دستهٔ موزیک (میرامار) مشغول باجرای
آهنگ بود تمامی هیأت سفارت ایشان را ازدرب سفارت استقبال کردند .
داخل وخارج سفارتخانه دریک وضع دلنشین مزین کردیده بود که احدی نمیتوانست ایرادی گرفته
بگوید که چیزی درانجا نقصان مانده است .
درتالار بزرگ سفارتخانه ازشب یکساعت ونیم گذشته بود که یک مهمانی تکلف داده شد درهشتی
این ضیافت موزیک کشتی (میرامار) آهنگ میکرد پیش ازهمه مارش فرانسوا ژوزف را بعد
مارش حمیدی را زده بعد شروع بهواهای دیگر نمودند .
تمامی مدعوین لباس عادی پوشیده بودند دروقت طعام وبعد ازطعام ازجانب
(مسیو ده تیه) ورفقای خودکه ازمشاهیر سازندگان است اجرای تغنی وآهنگ شد .
حضرات آتیه الاسامی دراین ضیافت حضور داشتند .

حضرت ولیعهد — نواب عالیه شاهزاده خانم — سعید پاشای صدراعظم — جناب ادهم پاشا
جناب عاصم پاشا — جناب غازی عثمان پاشا — جناب سرور پاشا — جناب منیر پاشای مترجم
جناب رشید بیک افندی — هوبه پاشا — مادام هوبه — احمد پاشا — جناب ابراهیم بیک افندی

مونسیور روتلی — راهب کلیسای سن ماری — کنت بوسبل — کنت پالفی — مادام لاکنتس طاروقا

مادام لاکنتس پالفی — کنت متروسکی — کنت نوستیغ — کنت وورمبراند — دکتر لانی — بارون سویده نک

مسیو فورنی — مسیو اودلار — مسیو چونت — یحیی پاشا — مسیو لوچولی — قونسول جنرال بارون مان

مادام لابارون مان — ناخدای کشتی بیرآمار — مسیو رنشپواتی — مسیو ده کیاری جنرال قونسول طربزون

مسیو چنقریا قونسول ادرنه — مسیو ماورون — مسیو لوکنت دوبلکی — مادموازل لاکنتس پالفی

مسیو دیومتش مستشار سفارت — مادام دینو — بارون قال مترجم سفارت — مادام لابارون قال

مسیو یاتو مترجم — مسیو ماناقا آتشه میلتر .

سیاههٔ خوراکهای مهمانی مذکور

آش — بورک مترنج رتیفی — ماهی لورک — کباب گوشت گوساله — کباب ماکیان

سرخ کرده جگر — حلوای آلوبالو — پونج شامپانیادار — سرخ کرده سلون (مرغی ست مخصوص

به اروپ . مترجم). صالاد کاهو — بودنیکا — بستنی .

در ختام مهمانی تمامی مسافرین بقدر یکساعت و نیم مصاحبت شبانه کرده بعد همه در منزل خودشان

عودت نموده و حضرت ولیعهد و شاهزاده خانم هم بعمارت (ییلدز) تشریف فرما شدند .

امروز که روز بیست و نهم ماه جمادی الاخر و روز یکشنبه است حضرت ولیعهد و شاهزاده خانم بسفارتخانهٔ

سفرای باقیه کارت ویزیت داده از دسته دو ساعت و نیم گذشته بود که سوار یک (لاندو)

دو اسبه شده از راه (اسکلهٔ سرکه‌جی) و راستهٔ بابعالی بامرور به پیش سفارتخانهٔ دولت علیهٔ ایران

تشریف آورده بعد از توقف اندکی کارت ویزیت داده بعد از راه وزارتخانهٔ علوم در پیش خانهٔ

وزیر امور خارجه توقف کرده و کارت ویزیت را تودیع نموده اند .

از دسته سه ساعت گذشته بود که در کلیسای (سن ماری) واقع در راه راست (بیک اوغلی)

در رسم دعای (مس) حاضر بودند .

نهار را در کشتی خودشان که (بیرامار) نام دارد میل فرموده از دریا حول و حوش (قوم قپو) و (ینکی قپو) و

(آخور قپو) و بعد عمارت عالیهٔ (طولمه باغچه) را تماشا کرده در (یدی قله) بیرون آمدند .

حول و حوش (یدی قله) را بعد از تماشا سوار اسب شده از خارج قلعه به (ایوب انصاری رضی الله عنه)

رفته ولی بقصبه داخل نشدند .

مقبرهٔ محمد علی پاشا وزیر امور بحریهٔ اسبق مرحوم و زوج عادله سلطان را که در (بوستان اسکله سی) واقع است

زیارت کرده بعد سوار قایق لش حفته شده سه ساعت بغروب مانده بعمارت مخصوص خودشان

بالمعاوده تا الصباح استراحت فرمودند .

امروز که روز بیست و چهارم ماه جمادی الثانیه و روز دوشنبه است مسافرین محترمه ما علی الصباح

از (اسکله طولمه باغچه) سوار (استمبوط) شده (بکقوز) را تشریف و از آنجا هم به بالای کوه (یوشع) رفته

اطراف و انحای اسلامبول را تماشا نموده اند .

بعد به (بیوک دره) آمده در سفارتخانهٔ خودشان صرف نهار و استراحت فرموده از آنجا به قریهٔ (ابلغرلو

کویی) رفته و کمرهای آب اسلامبول را تماشا کرده اند .

در اثنای عودت زمینی که بجهت خانهٔ ییلاقی سفارت دولت اطریش اعلیحضرت سلطان بخشیده بود از نظرشان

گذرانده و بطرف مغرب بجهت مهمانی اعلیحضرت سلطان بعمارت (ییلدز) تشریف فرما شدند .

مدعوین این عمارت عبارت از همان اشخاص می‌بودند که در مهمانی نخستین حضور داشتند امشب

از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت سلطانی به حضرت ولیعهد سه جلد (البوم) خیلی نفیس و گرانبها اهدا کرده

(صور و اشکال) یکی از (البومها) عبارت از صور وزرای قدیم و جدید بابعالی و مابین همایون بود و (البوم)

دوم هم صور و اشکال اقوام و طوائف که در زیر تابعیت عثمانی بوده و هستند جامع بود (البوم) سوم را

صور و اشکال مواقع مهمه و آثار عتیقه و ابنیهٔ نفیسهٔ ممالک عثمانیه تزیین ملیح یافت .

از این (البوم) سوم در نزد همایون فقط سه جلد بود که یکی را پیش از این با علیحضرت امپراطور آلمان اهدای

دیگر اسم این دفعه بحضرت ولیعهد اعطا فرموده الان از آنها یک نسخهٔ نفیسه در نزد همایون مانده است
امیدواریم که فرمان صادر شود از روی اشکال محفوظهٔ آن عکس گرفته نسخهٔ اشرا بفرانید .

امروز که روز سه شنبه بیست و پنجم ماه جمادی الثانیه است مثل دیروز حضرات مسافرین معزی و مشار الیهم
سوار (لاندو) ها شده سه ساعت از دسته گذشته بود که از پل آهن عبور فرموده از راسته بابعالی
بقبر خاقان خلد آشیان سلطان محمود خان ثانی رفته بعد از زیارت از راه (دیوان یولی) به جامع سلطان
بایزید تشریف و جامع نور لامع مذکور را تماشا و شخص قاری که از دو چشم نابینا و در محفل جامع شریف قرآن
تلاوت میکرد مدتی ایستاده گوش کرده بعد از آنکه از جامع بیرون آمده از تسبیح فروشان که در صحن جامع
شریف مذکور هستند از هر گونه تسبیح چند دسته خریده و خیلی تمجید از وضع نگاه داشتن مساجد اسلام
فرموده و از دسته چهار گذشته بود که به (باب والای سر عسکری = وزارت جنگ) تشریف بردند .

(در مساجد ممالک عثمانی وارسته از عرض و ایضاح است که در وقت ضرورت یعنی از این قبیل اشخاص محترمه
که میخواهند بمساجد داخل شوند در هر مساجد کفشی است خیلی نازک و خوش ترکیب که قبل از دخول به پیش مسادین
گذاشته و آنها هم از روی (بوتین) پوشیده بمسجد داخل میشوند بعد از تماشا در کفشکن آنها را کنده میروند
چون این قاعدهٔ اسلام را تمامی بزرگان اروپ در این باب دلخور نمیشوند . و آنها که دین دارند
همین قاعده را پسند کرده تمجید مینمایند . مترجم)

در میدان باب والای سر عسکری چهار دسته از عساکر سلطانی صف بسته احترام بود و جمع کثیری هم از اهالی
در کمال سکوت و سکونت ایستاده تماشا میکردند .

جناب دولت و عطوفتمآب عثمان پاشا غازی وزیر جنگ و جناب سعادتمآب عارف پاشای امیر تومان
قوماندان تمامی ساخلوی اسلامبول و سایر امرا و ارکان و صاحبمنصبان بزرگ تا از دم در استقبال کرده جناب
وزیر جنگ معزی الیه از بغل شاهزاده خانم گرفته و به اطاقیکه مخصوص بوزرای جنگ است با حضرت ولیعهد
وغیره برده رسم پذیرائی آنچه شاید و باید است بعمل آورد بعد صرف قهوه و شربت و شیرنی و آنچه مقتضی احترامات

بقصر مخصوص اعلیحضرت سلطان که در بالای اطاق وزارت جنگ است برده بعد از تماشا باز باطاق وزارت جنگ
آمده بعد از اندکی توقف و تماشای سربازخانه و مریضخانه و مسجد و حمام و اسلحه خانه از وزارت جنگ عودت
فرمودند جناب وزیر جنگ در عودت هم بغل شاهزاده خانم را گرفته بودند .

حضرت ولیعهد در دقیقهٔ میخواستند سوار کالسکه شوند محظوظیت خود شان را بواسطه احمد پاشای آجودان
بجناب وزیر جنگ ابلاغ فرمودند

چهار و نیم از دسته گذشته بود که از وزارت جنگ بیرون آمده از راه (اوقتیرباشی) و (صدفچیلر) و از راسته
(بابعالی) به (اسکلهٔ سرکجی) شدند در آنجا از کالسکه پائین آمده سوار (استمبوط) شده بکشتی (میرامار) که مخصوص
خودشان است تشریف بردند .

بعد از صرف نهار در کشتی مذکور سوار (استمپوط) شده به (طولمه باغچه) آمده در آنجا هم سوار (لاندو) به مولویخانه
غلطه رفته بعد از تماشای پروانه های علمای روم و گوش دادن نی و قدوم به عمارت (ییلدز) عودت فرموده
خود شان در قصر شاله مانده شاهزاده خانم به اندرون همایون تشریف برده پیش زنهٔ مقام والدهٔ سلطانرا
دیدن کردند ترجمان حرم همایون که دختر جناب عطوفتمآب ارتین افندی مستشار وزارت امور خارجه
و سی مجیدی ماهیانه داشت در زبان فرانسه و آلمان و روس و انگلیس و ایتالی و یونان و ارمنی و ترکی خیلی خوب
میداند در اندرون همایون ترجمانی کرده و تمامی اطاقهای اندرون و خزانه و کتابخانه و باغ مخصوص را گشته
و لباس و رختخوابخانه های سلاطین ماضیه را بکمال دقت از نظر حیرت گذرانده اند .

بعد از زیارت خانمها باز باطاق مقام والده آمده خانمها هم در اطاق مقام والدهٔ سلطان رسم بازدید را
بعمل آورده اند .

چون دختر ارتین افندی مترجم حرم همایون در امور مامورهٔ خود شاهزاده خانم و خانمهای
اعلیحضرت سلطان را و علی الخصوص مقام مهد علیا را از خود راضی کرده و حرکات و سکناتش
موجب خوشنودی اعلیحضرت سلطان شده است حکمی بوزارت خارجه صادر شده که من بعد

بترجمه مشار الیها ماهی پنجاه مجیدی طلا بدهند و یکقطعه نشان شفقت از درجه دوم بمشار الیها مرحمت
گردیده است .

یکساعت و نیم بغروب مانده بود که سفیر دولت اطریش و سفیر دولت بلژیک به حضور حضرت ولیعهد
آمده بودند یکساعت بغروب مانده هم حضرت ولیعهد لباس نیم رسمی پوشیده از قصر (اشاله)
پایین آمده و باشاهزاده خانم سوار (لاندو) شده به (مابین همایون) آمده با علیحضرت سلطان رسم
وداع را بجا آوردند .

دراین مورد جناب فخامتمآب سعید پاشای صدر اعظم و جناب دولتمآب عاصم پاشای وزیر
امور خارجه و جناب منیر پاشا مترجم مخصوص و رئیس دار الترجمه و ایشیک آقاسی باشی
حضور داشتند .

بعد از ایفای رسم وداع حضرت ولیعهد و شاهزاده خانم جناب دولتمآب سرور پاشا را باهم گرفته
سوار (لاندو) شده بساحل عمارت (طولمه باغچه) نزول اجلال فرمودند و از آنجا به (قایقهای
پنج جفته) نشسته بکشتی میرامار (تشریف بردند) .

از جمله فرمایشات اعلیحضرت سلطانی است که جناب دولتمآب سرور پاشا و جناب سعادتمآب
رضا پاشای امیر تومان و آجودان حضور همایون که در سابق هم در رفاقت حضرت ولیعهد
به بیت المقدس رفته بود در رفاقت حضرت ولیعهد به بروسه رفته بعد باهم باسلامبول معاودت
نمایند .

در هنگام عودت فقط جناب سعادتمآب رضا پاشا و جناب سعادتمآب ابراهیم بیک افندی
ایشیک آقاسی وزارت امور خارجه و سعادتمآب احمد پاشای میرپنج بجهت مشایعت تا وارنه
در کشتی عز الدین مانده سایرین بیرون بیایند .

از جناب حضرت ولیعهد در شب و در کشتی میرامار یک مهمانی داده شده و در مهمانی مذکور

جناب دولتمآب منیر پاشا و عاصم پاشای وزیر امور خارجه و سرور پاشا وغیره حضور داشته اند
بعد از مهمانی منیر پاشا و عاصم پاشا از کشتی بیرون آمده و اسلامبول رفته مسافرین هم مستقیماً به (مدانیه)
که اسکله بروسه است حرکت نموده اند روز چهارشنبه که بیست و ششم ماه جمادی الثانیه است
در طرف صبح یکساعت و نیم بدسته مانده ملنگرگاه (مدانیه) لنگر انداخته و تمامی هیأت ولایت را
بجهة استقبال در اسکله دیده بودند والی ولایت سوار (استیمبوط) شده و طرف کشتی رفته بعد از
ایفای رسم خوش آمدی مشطر شرف قدوم عالی بودن حضرات مستقبلین را بعرض ایشان رسانیده
و حضرت ولیعهد هم اندکی توقف نموده جواباً بیان فرموده بود که دراین بین بغتةً خبر منحرف المزاج شدن شاهزاده خانم
رسیده و حضرت ولیعهد با قامت کاه معزی الیها رفته بعد بواسطهٔ سفیر کبیر دولت اطریش معذرت
خواسته و بیرون تشریف نیاورده اما اجازه به بروسه رفتن سایرین ارزانی فرموده بودند جناب
اصالتمآب (بارون کالیس) سفیر کبیر دولت اطریش از دسته دو گذشته بود که من غیر رسم از (مدانیه)
سوار کالسکه شده چهار از دسته گذشته با بعض ملتزمین رکاب حضرت ولیعهد به (بروسه) داخل شده
و بعد از زیارت مقام ولایت و دائره بلدیه (بیکلربیکی) تشریف آورده بعد از صرف نهار بکالسکه نشسته
بسر قبر (چلبی سلطان محمد خان) و (عثمان غازی) و (اورخان غازی) و (ییلدرم بایزید خان) رفته
بعد از عودت به (قونسولاتو) ی خودشان عزیمت نموده بعد بازار و گرمابه بازگشته چهار ساعت بغروب مانده
به (مدانیه) تشریف بردند .

همان شب کشتی عز الدین و کشتی میرامار با قنادیل و بیدقهای رنگارنگ تزیین گردیده و از جانب والی پاشا
در کشتی عز الدین مهمانی خوب بمسافرین محترمهٔ ما داده شده و موسیقهای هر دو کشتی اجرای آهنگ
کرده و آتش بازی خوب بعمل آورده شد .

در همان روز حضرت ولیعهد اطراف دریای (مرمره) را از دریا تماشا نموده و در ساحل (منخالیج) بیرون آمده
قدری هم شکار کرده اند .

روز پنجشنبه که بیست و هشتم ماه جمادی الثانیه است مسافرین محترمه ما علی الصباح از (مدانیه) به اسلامبول آمده و متعاقباً از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت سلطانی جناب دولتمآب منیر پاشای مترجم حضور و جناب دولتمآب (ماورینی) پاشای حکیم باشی بکشتی (امیرامارا) رفته و سلام اعلیحضرت سلطان را رسانیده و از شاهزاده خانم احوال پرسی کرده و ابلاغ نمودند که اعلیحضرت سلطان خیلی مشتاق میباشد اگر تشریف آورده تا آنکه شاهزاده خانم کاملاً دفع کسالت نماید در عمارت (شاله) مخصوص بوجود شماها است استراحت فرمایند .

بنابراین التفات اعلیحضرت سلطان حضرت ولیعهد و شاهزاده خانم اظهار امتنان و تشکر کرده بعد از تقدیم وداع نامه سه ساعت و نیم از روز گذشته از بغاز بحر سیاه عبور نمودند .

در حین مرورشان از بغاز از قلاع و استحکامات توپها شلک کرده و عساکر سلطانی هم صف بسته در موقع سلام ایستاده احترام لازمه را بجا آوردند .

خدا یتعالی سلامتی را ارزان فرماید

سیاهه هدایاهاست که بحضرت ولیعهد و شاهزاده خانم از جانب اعلیحضرت سلطانی اهدا فرموده شده است

نشان عثمانی مرصع — نشان شفقت مرصع — جعبه سیگار مرصع و گران بها — مجموعه تصاویر مرصع

تاج مرصع بجهت شاهزاده خانم (عدد) — اسب عربی سیاه بجهت رکوب (عدد) — صندلی با صدف خاتم کاری (سه عدد)

نیم کتف با صدف خاتم کاری (عدد) — آینه بدن نما با صدف خاتم کاری — میز و قولتوق با صدف خاتم کاری (۲ عدد)

قالی از معمولات اناطولی (۲ عدد) — قهوه یمن (۲ کیسه) — توتون تنکچه از جنس اعلی (۲ عدد / ۲ صندوق) — سیگار ساخته (دوازده هزار عدد)

از قماش شام و حلب و دیاربکر و خرپوت (۴ عدد) — عبای وان و بغداد و شالی انگوره

آثار عتیقه که در موزه امثال داشتند (دوازده عدد) — طپانچه هفت ضربه (۲ لوله) و غیره

از جانب حضرت ولیعهد مبلغ یکهزار لیره که معادل دو هزار و پانصد تومان پول ایران است بر ضیافتخانه عزه زنان اهدا و بعض یادگارها نیز به مهماندارهای خودشان عطا فرموده شده است .

نظر بروزنامه های این هفته جنرال قونسل روس در بلغارستان و سفیر روس در رومانی اظهار تمارض نموده بدیدنی حضرت ولیعهد نرفته اند و گویا از این سفر حضرت ولیعهد بشرق زمین دولت روس افسرده خاطر شده اند

ترجمه بنده کمترین میقدار محمد عارف منشی و مترجم دار الترجمه مبارکه خاصه همایونی از روزنامه ها

اسلامبول

۱۳۰۱

